

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکالات دیگر بر کلام مرحوم صاحب منتقى

بحث در اشکالات بر صاحب منتقى است که در جلسه گذشته برخي از اشکالات را عرض کردیم. اشکال عمده این است که در مواردی که ما به دنبال ضابطه‌ی تعارض و فرق میان تعارض و تزاحم هستیم، ایشان با اجرای قواعد تزاحم موضوعاً این موارد را از باب تزاحم خارج می‌کنند در حالی که اشکال این است که شما قبل از اینکه اینها را جاری کنید باید به ما ضابطه‌ای را ارائه بدهید و ضابطه‌ای را ارائه نداده.

اشکال سوم

از اشکالات دیگری که بر فرمایشات ایشان وارد می‌شود این است که ایشان گفتند در جایی که دو دلیل بر موضوع واحد وارد می‌شوند یکی از احکام تزاحم که عبارت از تخییر است جریان ندارد مثل صلاة در دار غصبي. بعد بیان کردند که تخییر یا به ملاك ترتب و یا به ملاك حکم عقل است. گفتند برای ترتب دو شرط وجود دارد که هیچ يك از این دو شرط موجود نیست. برای حکم عقل هم گفتند اگر ملاك‌هایشان مساوی باشد - فعلاً فرض در جایی است که ملاك‌ها مساوی باشد - عقل با تساوی دو حکم در ملاك، حکم به اباحه‌ی متعلق می‌کند که به نظر ما این حرفشان محل مناقشه و قابل اشکال است.

فرض ما این است که دو دلیل از طرف شارع داریم که یکی دلالت بر وجوب صلاة و یکی دلالت بر حرمت غصب دارد و این شخص در دار غصبي شروع به صلاة می‌کند. صلاة فعل واحد، موضوع واحد. این عمل هم متعلق برای صل و هم متعلق برای غصب است هم عنوان غصب و هم عنوان صلاة را دارد. ایشان با چه فعل و انفعالی و با چه تحلیلی به اباحه رسیدند؟ به عبارت دیگر يك وقت در مقام ثبوت یا در مقام کسر و انکسار بحث می‌کنند که مقتضیات آن در اختیار خود شارع است و کاری به عقل ندارد. شارع در مقام ثبوت می‌بندد فعلی هم مصلحت و هم مفسده دارد. مقام ثبوت قبل الجعل است. قبل الجعل، کسر و انکسار می‌کند ربما اینکه منتهی به اباحه بشود بگوید این مصلحت با مفسده‌اش مساوی است و این مباح باشد.

اما اینکه بعد الجعل، عقل حکم به اباحه کند توجیه علمی ندارد. بعد الجعل در مقام ثبوت نیستیم بلکه در مقام اثباتیم و به نظر می‌رسد که ایشان خلط بین مقام ثبوت و مقام اثبات کردند. در مقام ثبوت که کسر و انکسار می‌شود هم شارع باید مسئله‌ی اباحه را مطرح کند اما در مقام اثبات نمی‌توانیم بگوئیم شارع وجوب و تحریم دارد و عقل مسئله‌ی اباحه‌ی متعلق را مطرح می‌کند.

اشکال دیگر اینکه ایشان در آخر با يك نتیجه‌ي روشني خارج نشدند. فرمودند تزامم همان تنافي در مقام امتثال است اما به نحوي که سرایت به مقام جعل کند. اگر سرایت به مقام جعل می‌کند ما تنافي جعلین را ملاک قرار بدهیم یا امتثالین را؟ اگر سرایت می‌کند به این معناست که یکی از این دو جعل شده. روي تعریفی که ایشان بیان کردند چیزی به نام تزامم هیچ گاه نخواهیم داشت.

شما می‌فرمائید عجز از امتثال علي نحو يسري إلي الجعل اگر يسري إلي الجعل يعني تنافي در مقام جعل می‌شود يعني یکی از این دو جعل شده پس هر تزاممي هر جا. لازمه‌ي کلام ایشان این است که هر جا مکلف عاجز از امتثال هر دو باشد باید بگوئیم یا این جعل شده یا آن جعل شده و به این معناست که اصلاً چیزی به نام تزامم نداریم.

بعبارة أُخري ایشان می‌فرمایند تزامم با تعارض در تنافي در جعل هم مشترکند منتهي در تعارض منشأ تنافي در جعل عجز از امتثال نیست اما در تزامم عجز از امتثال است. این فارقي نشد بالأخره شما می‌گوئید در هر دو تنافي در مقام جعل است. با این همه که بحث را دنبال کردند و در اول سنگ بنایی گذاشتند که موردی به نام عجز از امتثال دو تکلیف داریم که در این مورد قواعدي مثل ترجیح و تخییر که قواعد باب تزامم هست جاری می‌شود. در آخر می‌گویند يسري إلي الجعل، يعني اینکه این قواعد دیگر جاری نشود. يعني بگوئیم یکی از این دو جعل شده و چیزی به نام تخییر یا ترجیح نداشته باشیم. باید قواعد باب تعارض را جاری کنیم. در اصل بین آنچه در صدر قرار دادند و آنچه در ذیل از آن خارج شدند يك تهافت بین وجود دارد.

قبلاً هم عرض کردیم ترتیبی که ایشان برای بحث انتخاب کردند ترتیب خوبی است و ما هم برای این بیان کردیم که ذهن شما مقداری در فرق میان تزامم و تعارض شکل بگیرد تا خودمان بعد از این مطالب ببینیم ضابطه‌اي را می‌توانیم ارائه بدهیم یا باید روي ضابطه‌ي نائینی عمل کنیم. ضابطه‌ي آخوند را هم عرض خواهیم کرد که اصلاً و لو اینکه خود آخوند مسئله ثبوت و اثبات را مطرح کرده که حالا باید يك بحثی را در فرق میان ضابطه نائینی و ضابطه آخوند منقح کنیم و بعد يك ضابطه‌اي که در ذهن خودمان هست را ارائه کنیم.

مرحوم آخوند و مرحوم نائینی و دیگران تقریباً مسلم گرفتند که اگر جایی هر دو دلیل دارای ملاک بود مسلم تعارض نیست. تعارض در جایی است که فقط احدهما ملاک داشته باشد که ما با این مخالفیم. منتهي ایشان هم روي همین مبنا می‌گویند فرض ما این است که هر دو ملاک دارد و ما علم به ملاک داریم پس تعارض نمی‌آید دوباره می‌گویند «لا محيص عن الحكم بالإباحة».

روی این مثال‌هاي فکر بفرمائید. يك مثال «صلّ و لا تغسل» است؛ يك مثال «صلّ و أزل النجاسة» است؛ يك مثال اکرم العلماء و لا تکرّم الفساق است که در هر سه، يك ماده اجتماع و دو ماده افتراق وجود دارد. آیا باید بگوئیم حتماً سه باب داریم؛ يك باب اجتماع امر و نهی، يك باب تزامم و يك باب تعارض؛ بین اجتماع امر و نهی و آنها چه فرقي وجود دارد که ان شاء الله عرض خواهیم کرد؛ ولو اینکه در بحث اجتماع امر و نهی هم وارد این بحث شدیم اما چون آنجا در بحث تعریف تعارض و تعریف تزامم را مطرح نکرده بودیم اینجا باید مفصل‌تر عرض کنیم. ولي این فرض که می‌گوئید دو دلیل با هم تزامم و تعارض نکند اشکالي ندارد. در يك مورد اگر گفتیم صلاة و ازاله هر دو ملاک دارند ما باید بگوئیم خارج از باب تعارض است؟

بحث اخلاقی

روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بخوانم: «ثَلَاثٌ مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا سَعِدَ»: حضرت فرمودند سه چیز است که اگر کسی بر اینها محافظت کند سعادت مند می‌شود:

(1) «إِذَا ظَهَرَتْ عَلَيْكَ نِعْمَةٌ فَأَحْمَدِ اللَّهَ»،

(2) «وَإِذَا أَبْطَأَ عَنْكَ الرِّزْقُ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ»

(3) «وَإِذَا أَصَابَتْكَ شِدَّةٌ فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

حضرت می‌فرمایند اگر خدای تبارک و تعالی نعمتی را برای شما آورد، او را حمد و ستایش کنید و اگر رزق مقداری دیر به دست‌تان رسید مثلاً باران دیر می‌آید، رزق انسان مثل گذشته اگر به دست انسان نمی‌رسد استغفار کنید و اگر مریضی و گرفتاری و مشکلی برایت به وجود آمد ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» را زیاد بگوئید^[1].

ظاهر روایت این است که انسان در جایی که نعمت بیاید از جهت لسانی حمد خدا را بگوید و در جایی که رزق دیر می‌رسد استغفار کند و در جایی که شدت و شدائد می‌آید «لا حول و لا قوة الا بالله» بگوید ولی واقعش این است که حقیقت حمد خدا و حقیقت استغفار، حقیقت اعتقاد به اینکه لا حول و لا قوة الا بالله این انکار برای این است که اعتقادات را در ما تحکیم کند. تمام انکار برای همین است حمد خدا به این معناست که انسان عظمت خدا و اصل وجود خدا را فراموش نکند. انسان دائماً وجودش را از حمد خدا متصل به وجود خدای تبارک و تعالی کند.

همین نمازها و همین عبادات ظاهری برای این است که يك ارتباط باطنی و حقیقی بین انسان و بین مبدء خدای تبارک و تعالی به وجود بیاید. آدم همیشه وجودش را متصل به خدا بداند باور داشته باشد که اگر يك آن عنايات خدا از انسان قطع بشود انسان نابود می‌شود. استغفار به این معناست که آدم دائماً موانع بین خود و خدا را که با گناه و معصیت و غفلت ایجاد شده بردارد. استغفار این موانع را برمی‌دارد و وقتی شدائد پیش می‌آید انسان مظهر قدرت مطلقه را فراموش نکند که خدای تبارک و تعالی است.

به مناسبت این قضایایی که این ایام در کشور ما واقع شده، از همین روایت اولین نکته‌ای که استفاده می‌کنیم این است که نعمت جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی که حقیقتش حکومت اهل‌بیت (علیهم السلام) است و اصلاً حقیقت ولایت فقیه حکومت اهل‌بیت (علیهم السلام) است منتهی در يك درجه‌ی نازل‌تری، این بزرگترین نعمتی است که خدا نصیب ملت ایران و حوزه‌های علمیه و شیعه و مسلمان‌ها کرده. مقصود من این نیست که این حکومت فقط نعمت برای مسلمان‌هاست، حکومت اسلامی نعمت برای همه‌ی اقشار و طرفداران هر مذهبی می‌تواند باشد و است. ما روی ضوابط دینی که داریم تمام اقلیت‌های دیگر هم در پرتو این حکومت می‌توانند هم به دین‌شان بپردازند و هم زندگی عادی و متعارف خودشان را داشته باشند، احترام داشته باشند.

حکومت اسلامی واقعش نعمت بزرگی است که خدا يك تجلی و يك عنایتی کرد. اینهایی که عرض می‌کنم نه اینکه به این تعابیر عادت کردیم بلکه باید یاد خودمان بیاوریم که قبل از انقلاب چه بود؟ قبل از انقلاب اسمی از اسلام بود و بس! و آرام آرام داشتند آن اسم را هم از بین می‌بردند گاهی اوقات بعضی می‌گویند الآن هم مشکلات اخلاقی، اقتصادی فراوانی در جامعه وجود دارد. اگر آن حکومت طاغوت ادامه پیدا می‌کرد الآن چه خبر بود؟ اگر آن حکومت طاغوت که تحت یوق استکبار بود و هیچ چیز نداشتند، اگر ادامه پیدا کرده بود امروز نه از دینداری در این کشور خبری بود و منابع هم که در چپاول خارجی‌ها بود. واقعاً باید گاهی اوقات تاریخ قبل از انقلاب و طاغوت را ببینیم و بعد ببینیم که چه شده؟

اینکه عرض می‌کنم انقلاب اسلامی يك نعمت بزرگی است از وقتی که انقلاب اسلامی به وجود آمد اسرائیل که غده‌ی سرطانی برای دنیای اسلام و دنیای بشریت است زمین‌گیر شد، همین جا يك تصویری و يك فکری انسان بکند اگر این انقلاب نبود امروز اسرائیل در چه جایگاهی قرار داشت؟ آیا امروز چیزی به نام مکه، مدینه، عتبات و عراق و ... داشتیم؟ اصلاً اگر بود ما چیزی به نام جهان اسلام داشتیم؟ ابد!

برای من طلبه با این تحلیل‌هایی که دارم و با فکری که دارم و با استدلالی که دارم معتقدم که اگر انقلاب نبود اسرائیل به قوت

ادامه پیدا کرده بود اصلاً چیزی به نام جهان اسلام نداشتیم نه اینکه فقط ایران یا شیعه محو می‌شد، حالا بگذریم از اینکه این حکام کشورهای اسلامی یا عاجزند از اینکه این چیزها را بفهمند یا عاجز نیستند، آنها هم دنبال دنیاطلبی خودشان هستند و دنیاطلبی خودشان را در ارتباط با اسرائیل می‌بینند.

اگر این انقلاب نبود امروز قدرت آمریکا به عنوان یک ابرقدرت صدبرابر بود. امروز می‌بینید که در یک کشوری مثل یمن با این همه امکانات نظامی که برای عربستان می‌فرستد عاجز است. سوریه یادتان است، چند سال پیش بسیاری از سیاستمداران می‌گفتند آمریکا چند روزه سوریه را می‌بلعد و ایران می‌خواهد چه بکند آنجا؟ ملاحظه کردید با فضل و لطف خدا، اخلاص این فرزندان و مدافعین حرم سوریه را از چنگال آمریکا و اسرائیل بیرون آوردند، عراق را حفظ کردند اینها نعمت خداست. من دارم آثار انقلاب را عرض می‌کنم.

مرحوم والد ما (رضوان الله علیه) می‌فرمود از برکات انقلاب این است که اسلام در دنیا یک صدای دیگری پیدا کرد، شیعه در دنیا معرفی شد اصلاً قبل از انقلاب در کشورهای دنیا می‌گفتیم شیعه کیست؟ اما امروز در کاخ کرملین شیعه را به عنوان یک مذهب منطقی، معقول، مبتنی بر پایه‌های محکم در هم‌هی ابعاد می‌شناسند، در خود کاخ سفید هم همینطور است، در همه مراکز ... چه زمانی می‌توانستیم اینقدر شیعه را معرفی کنیم.

یک وقت می‌گوئیم در یک جایی عده‌ای از این مذهب به آن مذهب؛ اینها را نباید محاسبه کرد، اینها چیزهایی است که ضایعات قضیه است ولی در کلان که انسان نگاه می‌کند اصلاً این برکاتی که این انقلاب و این نظام داشته واقعاً مما لا تعدّ و لا تحصى است. بهترین شاهدش این است که دشمن از این انقلاب دست برنداشته یعنی دشمن هنوز کار می‌کند، اینها داعش را درست کردند. آمریکا و اسرائیل در مسئله‌ی داعش شکست بسیار سنگینی خورد. اینها بیکار می‌نشینند.

من که معتقدم رد پای دست‌های خارجی در این قضایای اخیر به وضوح دیده می‌شود. شما شنیدید و من هم برایتان عرض کردم چطور می‌شود که داعش همان شبی که موصل را می‌گیرد فردا در مدارس بچه‌ها کتاب‌های داعش تدریس می‌شود، این کتاب‌ها کجا نوشته شده بود و چه زمانی آماده کرده بودند؟ خود این ابوبکر بغدادی را کجا تربیت کردند و واقعاً حرف خیلی زیاد است اگر بنشینیم صدها ساعت راجع به اینکه امروز دشمن چه می‌کند برای از بین بردن اسلام، برای از بین بردن این انقلاب، آدم متحیر می‌ماند که حالا این خودش باید در جای خودش بحث شود.

عرض می‌کنم ما تردیدی نداریم که رد پای دشمن دشمن در این حرکات اخیر حرف اول را می‌زند. مردم مشکل داشته‌اند، مگر در دولت‌های سابق مشکل نداشتند؟ مگر تورم 40 درصدی را در دولت‌های سابق نداشتیم؟ ولی مشکل داشتند، البته این هم یک بحث دیگری است که واقعاً مسئولین باید تلاش خودشان را مضاعف کنند مشکلات مردم را حل کنند ولی ببینید وقتی به مجلس بودجه داده می‌شود، وقتی مسئله‌ی گران شدن بنزین و مالیات مطرح می‌شود، دشمن برنامه‌ای که طراحی کرده را می‌آورد چون زمینه آماده است.

بیکاری در این چند ساله اخیر که تا یک حدی دارند روی آن کار می‌کنند ولی سال‌ها گذشت ما صد هزار هم نتوانستیم برای جوان‌ها در کشور شغل ایجاد کنیم. البته باید واقعاً کار کرد، باید درد دل مردم را شنید، یکی از حرفهایی که دارند می‌گویند این اختلاس‌ها چی شد، کجا رفت؟ چرا پول‌های بیت المال برنگشت؟ اگر برگشته که بیایند برای مردم بیان کنند، حرف دارند حرفشان هم صحیح است مردم خودشان به قول امام ولی نعمت ما هستند این تعبیر امام (رضوان الله تعالی علیه) بود مردم صاحب اصلی انقلاب هستند. این صاحب اصلی انقلاب مطالبه دارد، سؤالات دارد، احتیاجات دارد، باید پاسخ داده شود

من عرض می‌کنم دشمن متخصصینی دارد که زمان شناسی می‌کنند، روان شناسی می‌کنند، جامعه شناسی می‌کنند، کجا و در

کدام شهر مثلاً در قم شعاري داده شود که انسان در خواب هم نمي‌بيند يك قمی این شعار را بدهد. انسان در خواب هم نمي‌بيند کسي که حتي مذهب نداشته باشد این شعار را بدهد. پیداست این شعار از کجا آمده و چه کسانی شعار دادند؟ البته ممکن است بعضي از جوان‌ها را فریب بدهند و تطمیع کنند که باید اینها روشن شود، يعني به نظر من يکي دو ماه دیگر، چند وقت دیگر پشت پرده‌ي این قضایا وقتی باز شود معلوم مي‌شود چه نقشه‌ي دیگری در کار بوده. نظام ما از اول دائماً در معرض این نقشه‌ها بوده و خواهد بود، اینها به فرموده رهبري معظم انقلاب مي‌گویند چرا اسلام، چرا انقلاب؟ با نظام مخالفند و این نظام باید از بین برود.

من همین جا عرض کنم امروز تحلیل‌گران منصف دنیا با قطع نظر از اینکه ما ادله بر ولایت فقیه داریم یا نه، به این نتیجه رسیدند که سالم‌ترین و دقیق‌ترین نظام، نظام ولایت فقیه است. دو سال پیش گروهی از مسکو مرکز فقهی پیش ما آمده بودند. پیرمردهایی بین اینها بود، افرادی که در مراحل بالاي مذهبی بودند از کاردینال‌ها بودند، گفتند ما اتاق فکر پوتین هستیم، ما مي‌نشینیم سال‌ها فکر مي‌کنیم حرف مي‌زنیم نتیجه‌ي کارمان را به پوتین مي‌دهیم. نوار آن جلسه هم موجود است. اینها گفتند ما تمام انواع حکومت‌ها را بررسی کردیم و حکومتي که واقعاً مبتني بر يك منطق صحیح است همین ولایت فقیه است. این حرفي است که دشمن اعتراف مي‌کند. البته در تحت پوشش این ولایت فقیه يك افراد متأسفانه خائني پیدا شدند دزدی کردند، فساد کردند این در زمان ائمه‌ي ما هم بوده، مگر نبوده؟

ما طلبه‌ها هم خودمان، اینکه من عرض مي‌کنم خودمان این را خوب دقت کنیم نمي‌توانم این را باز کنم! در درجه اول خودمان باورمان باشد که این نظام حق است ولایت فقیه حق است؛ عرض کردم ادله نقلی‌اش به کنار. مرحوم والد ما (رضوان الله علیه) مي‌فرمود ولایت فقیه نیازی به استدلال ندارد و از واضحات است. ولي مقایسه بشود با سایر نظام‌ها، این قابل مقایسه نیست. حفظ این نظام واجب است. باید آن را تقویت کنیم و به مردم هم بگوئیم. البته آنهایی که هشت سال جنگ را روی شانه قرار دادند و خم به ابرو نیاوردند آنها چه ما روحانیت باشیم در کنارشان و چه نباشیم این نظام‌شان را حفظ مي‌کنند این انقلاب را حفظ مي‌کنند.

همین جا عرض مي‌کنم واقعاً خدا را شکر مي‌کنیم که امروز در زمان ما حوزه‌ي علمیه ما در روحیه‌ي انقلابي باز همان روحیه‌ي را دارد که در اول انقلاب و قبل از انقلاب بوده، در صحنه است، بیدار است، و مراقب است و باید حفظ کنیم ان شاء الله و ما امیدواریم که این قائله تمام شود، سرنخ‌ها و ریشه‌هایش برای مردم آشکار شود و سبب بیدارتر شدن ما بشود.

از اول انقلاب تا حالا هر غائله‌اي در کشور به وجود آمده واقعاً سبب بیدارتر شدن مردم ما شده و مُشت دشمنان بیشتر باز مي‌شود. این ترامپ احمق که حالا به عنوان يك رئیس جمهور قرار دارد اینقدر عقل ندارد که مردم ایران را بشناسند. مردم ایران را در ده جوان فریب خورده یا از جاهایی اینها را وارد کرده که بعداً معلوم خواهد در اینها قرار مي‌دهند. البته بخشی از مردم ما هم که مقداري مشکل داشتند فکر کردند مشکلاتشان را بیان کنند. چه کسی حاضر است در این مملکت شعار نه قرآن نه اسلام را بدهد. مسیحی و یهودي هم امروز حاضر نیست این شعار را بدهد. در این مسئله تردیدی نکنید که این شعار از خارج آمده. امیدواریم ان شاء الله با وجود رهبري مقتدري که داریم که این هم در پرتو اصل کبراي ولایت فقیه وجود شخص رهبري معظم انقلاب که امید همه‌ي ما به ایشان است که در این بحران‌ها کشور را حفظ کند.

این مطلب را شنیدید که آیت الله العظمي سیستانی گفته بود من پنج سال است از خانه بیرون نیامدم برایم ناراحتی ایجاد نمي‌کند، یکی از این خبرها که از ایران مي‌آید من ناراحت مي‌شوم، ایشان به عنوان يك مرجع بزرگ شیعه این ضرورت که باید این نظام حفظ شود مبدا تلاطمی در این نظام به وجود بیاید بهتر از من و شما مي‌فهمد! و ما هم باید سعی کنیم که ان شاء الله این مسائل حل شود. خداوند سایه‌ي همه مراجع، سایه رهبري معظم انقلاب را در کشور ما حفظ کند و این انقلاب را از همه‌ي آفات مصون بدارد ان شاء الله.

[1] تحف العقول، النص، ص: 207 و 208: وَ قَالَ(ع): ثَلَاثٌ مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا سَعِدَ إِذَا ظَهَرَتْ عَلَيْكَ نِعْمَةٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ إِذَا أُبْطِأَ عَنْكَ الرِّزْقُ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَ إِذَا أَصَابَتْكَ شِدَّةٌ فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.